

ناتوی فرهنگی و رسالت ما.....



حجه الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی

لن ترضی عنک الیهود و لالنصارى

حق تتبع ملتهم (بقره/ ۱۲۰)

اشاره:

طرح موضوع «خطر ناتوی فرهنگی» در سخنان رهبر معظم انقلاب در سفر به استان سمنان، و در پی سخنان صدراعظم آلمان در این زمینه، هشدارى است در زمینه تغییر استراتژی مهم استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در تغییر عملکرد ناتو از نظامی به فرهنگی در تقابل با خیزش و حرکت بالنده اسلامی و دین‌گرایی در منطقه خاورمیانه؛ تهدیدی که به مراتب گسترده‌تر و خطرناک‌تر از کارکرد نظامی است و قلمرو آن مجموعه جغرافیایی جهان اسلام می‌باشد.

حساسیت موضوع و عمق و گستره آن ایجاب می‌کند ابعاد ناتوی فرهنگی و تفاوت آن با کارکرد نظامی و رسالت جمهوری اسلامی و دستگاه‌های مسئول در تقابل با این حرکت، مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد. مقاله پیش رو در حد مقدمات عهده‌دار بررسی و ارزیابی این موضوع می‌باشد، امید است بتواند برخی زوایای این حرکت را بازگوید.

۱. فلسفه وجودی ناتو

ناتو^۱ بعد از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت و فلسفه وجودی آن، همبستگی و هم‌پیمانی بین کشورهای غربی در برابر اتحاد جماهیر شوروی در جهت مقابله با تهدیدات ابرقدرت شرق بوده است. فضای موجود پس از جنگ جهانی دوم و نگرانی از وقوع جنگی دیگر ایجاب نمود شاکله ناتو با ماهیت و قواره نظامی شکل گیرد و چارچوب آن در راستای کارکرد و هدف دفاع نظامی مورد توجه واقع شود.

۱-۱. دوران جنگ سرد و کارکرد ناتو

از سال ۱۹۴۹ که سال پایان جنگ و آغاز شکل‌گیری ناتو به شمار می‌آید تا سال ۱۹۹۱ که اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد، دوران جنگ سرد نامیده می‌شود. در این نیم قرن، جنگی بین دو ابرقدرت به وقوع نپیوست اما ناتو در عرصه‌های گوناگونی ایفای نقش می‌نمود و کارکردهای دیگر را در دستور کار خود قرار داد:

۱. کارکرد تسلیحاتی در جهت صدور تسلیحات به کشورهای اقماری در جهت تقویت جبهه ابرقدرت غرب به ویژه در درگیری‌ها و رقابتهای منطقه‌ای و حمایت از قدرتهای وابسته به بلوک غرب.

۲. کارکرد اقتصادی به منظور تسخیر بازار قلمرو ابرقدرت شرق و سلطه و برتری تکنولوژی غرب بر فناوری شرقی.

۳. کارکرد سیاسی با هدف جریان‌سازی و ایجاد نارضایتی و ایجاد زمینه آشوب و براندازی رژیم‌ها در کشورهای اقماری شوروی و جلوگیری و پیش‌گیری از نفوذ ابرقدرت شرق.

۴. کارکرد اطلاعاتی در جهت شناخت هر نوع تحرک و فعالیت اتحاد جماهیر شوروی در کشورهای اقماری و دیگر مناطق جهان و تلاش در جهت نفوذ در سیستمها و دستگاه‌های مربوط به شوروی و بهره‌گیری از هر گونه ابزار و امکان اطلاعاتی به منظور سلطه اطلاعاتی بر رقیب قدرتمند شرقی در عرصه بین‌المللی.

۵. کارکرد فرهنگی در جهت ایجاد جنگ روانی برای مقابله با ایدئولوژی مارکسیسم و بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های گوناگون به منظور گسترش ابتذال و استحاله فرهنگ‌های ملی و دینی منطقه تحت نفوذ رقیب و تئوریزه و جایگزینی مظاهر فرهنگ غربی.

۲. سقوط شوروی و خیز جهان شمولی لیبرال دموکراسی

در سال ۱۹۹۱ با سقوط شوروی و از هم پاشیده شدن سازمان ورشو، عملاً ابرقدرت شرق از معادلات حذف گردید و جهان از رقابت دو قطبی خارج گردید. در این شرایط بود که اندیشه جهان‌شمولی در ابرقدرت غرب و به ویژه در ذهن سردمداران آمریکا با توجه به برتری اقتصادی، تسلیحاتی و اطلاعاتی شکل گرفت. آمریکا اکنون رقیب و قدرت معارضی را در برابر خود نمی‌دید و احساس استکبار این بود که جهان اسلام با وجود برخورداری از نیروی انسانی و ذخائر عظیم انرژی، ظرفیت مقابله با ابرقدرت غرب به رهبری آمریکا را ندارد. در همین حال برای تحقق جهان‌شمولی به ویژه در قلمرو جهان اسلام نیازمند به اقداماتی بود از جمله:

۱- ۲. تداوم حرکت چندگانه در دوران جنگ سرد

تداوم کارهای چندگانه؛ یعنی کارکرد تسلیحاتی، اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و فرهنگی همواره در دستور کار آمریکا و هم‌پیمانان او یعنی اروپا قرار داشت و یک دهه پس از سقوط شوروی، همچنان در این عرصه هر چه در توان داشتند به اجرا در آوردند، به ویژه گسترش تهاجم فرهنگی به منظور استحاله فرهنگ ناب دینی و اسلامی بیشترین هدف آنها بوده است.

۲- ۲. تئوریزه نمودن لیبرال دموکراسی

اقدام دیگری که در راستای تحقق جهان‌شمولی قرار گرفت، تئوریزه کردن لیبرال دموکراسی بود که این حرکت با بهره‌گیری از تئوریسین‌های غربی مورد توجه قرار گرفت:

۱- ۲- ۲. تئوری پایان تاریخ فوکویاما: فوکویاما با ارائه «تئوری پایان تاریخ» در صدد برآمد پس از حذف سوسیالیسم از معادلات سیاسی، لیبرال دموکراسی را به عنوان مدینه فاضله و حکومت ایده‌آل و آخرین مرحله فرآیندی تکامل حرکت انسان و سرنوشت محتوم بشر ارائه دهد و زمینه پذیرش آن را در جهان امروز فراهم نماید و در حقیقت زمینه برتری تمدن غربی را بر دیگر تمدن‌ها مورد توجه قرار دهد.

۲-۲-۲. تئوری دهکده جهانی مک لوهان: مک لوهان از زاویه دیگر جهانی سازی را مورد ارزیابی قرار داد. وی نظریه خود را چنین مطرح نمود که جهان به مثابه یک دهکده است و کدخدای این دهکده کسی می تواند باشد که از قدرت تکنولوژی، نظامی و اقتصادی و اطلاعاتی برتر برخوردار باشد. او در صدد القاء این نکته بود که این ابزار تنها در دست سردمداران لیبرال دموکراسی در جهان می باشد.

۲-۲-۳. تئوری جنگ جهانی هانتینگتون: از دیگر نظریه پردازان و تئوریسین های لیبرال دموکراسی، هانتینگتون بود که نظریه «جنگ تمدن ها» را مطرح نمود و در صدد القاء این مسئله بود که عرصه درگیری ها، عرصه تقابل و جنگ تمدن ها است و تمدن غربی با توجه به برخورداری از شاخص های پایدار قدرت ماندگاری و برتری را دارد.

این نظریه پرداز و دیگر دست اندرکاران این پروژه همچون تافلر با تئوری موج سوم و جهانی سازی همگی در صدد تئوریزه نمودن جهان شمولی و بستر سازی حاکمیت لیبرال دموکراسی در سطح جهان به ویژه منطقه خاورمیانه بودند.

اما سطحی نگری بانیان حرکت جهان شمولی نسبت به قدرت جهان اسلام و عدم شناخت از مکتب بالنده اسلام و عقبه آن، باعث شکست پروژه نو محافظه کاران گردید و این در شرایطی است که خیزش اسلامی در پرتو انقلاب اسلامی در ایران هر روز مقتدرتر در صدد فتح قله های نعالی و پیروزی است.

اعتراف اندیشمند غربی «دانیل پاتیس» مبین این واقعیت است که می گوید: «تئوری پایان تاریخ بر مبنای تجربیات دوران جنگ سرد ارائه شده، غافل از آن که ایدئولوژی مقابل، بسیار قوی تر و با برنامه تر از ایدئولوژی کمونیستی است. اسلام یک تهدید همه جانبه است که همه ارکان تمدن غرب را به چالش کشیده است. در برابر دینی که برای همه اشکال زندگی بشر از لحظه تولد تا پس از مرگ برنامه دارد چه تدبیری می توان اندیشید؟!»

۳. رویکرد توأمان نظامی - فرهنگی جریان سلطه

بارشد آگاهی در بین ملت های مسلمان و گرایش به اسلام و شکست استراتژی سردمداران پروژه جهان شمولی و نگرانی جدی استکبار از قدرت اسلام در منطقه خاورمیانه، به ناچار

نو محافظه کاران آمریکا استراتژی خود را با رویکرد توأمان نظامی - فرهنگی طراحی و به مرحله اجرا گذاشتند.

۱-۳. رویکرد نظامی

حادثه ۱۱ سپتامبر آغازی بود بر حرکت میلیتاریستی نو محافظه کاران آمریکا برای حضور نظامی در خاورمیانه در راستای تحقق اهداف گوناگونی که مهم ترین آن مقابله با اسلام بود. در این رویکرد با هدف محاصره ایران و کنترل منطقه آسیای میانه، نخست بالشکرکشی به افغانستان انجام پذیرفت و پس از مدت کوتاهی با سقوط رژیم طالبان، زمینه سلطه آمریکا و ناتو در افغانستان و کنترل منطقه شرقی ایران فراهم گردید. در مرحله بعد هجوم نظامی به کشور عراق در دستور کار قرار گرفت که از نظر موقعیت و اهمیت، مرکزی ترین نقطه خاورمیانه بود. هدف از این اقدام، علاوه بر دستیابی به ذخائر عظیم انرژی و حفظ امنیت اسرائیل، حضور در منطقه غربی ایران مورد توجه بود.

با سلطه آمریکا و هم پیمانانش بر افغانستان و عراق، جریان سلطه احساس پیروزی و دستیابی به بخشی از اهداف خود داشت و با فشار بر ایران و سوریه در صدد تکمیل آن و حل مشکل فلسطین با حمایت کامل از اسرائیل و مهار کامل حرکت اسلامی برآمد.

۲-۳. رویکرد فرهنگی

رویکرد فرهنگی جریان سلطه همزمان با رویکرد نظامی در سخنرانی رییس جمهوری آمریکا مطرح شد که نبرد خود را یک «جنگ صلیبی» نامید! این حرکت، از گرایش ایدئولوژیکی در حرکت تهاجمی و بیان تقابل بین جهان غرب با اسلام خبر می داد.

سرآغاز رویکرد فرهنگی در حرکت استکبار، در صحبت های بوش با عنوان نبرد صلیبی مطرح شد. این رویکرد، شامل مراحل زیر بود:

۱-۲-۳. تهاجم به مبانی و مقدسات دین:

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، فضا سازی تبلیغاتی استکبار علیه اسلام آغاز شد. شروع این امر، هجمه سنگینی بود که از ناحیه محافل وابسته به نو محافظه کاران، به مبانی و مقدسات دینی به ویژه شخصیت پیامبر بزرگوار اسلام انجام شد. در این حرکت هر چه در توان داشتند برای تخریب باورهای مسلمانان به میدان جنگ روانی وارد ساختند.

۲-۲-۳. حمایت از جریان‌های مهاجم به مبانی دینی:

در راستای تحقق هدف مذکور، و در ادامه اقدام نخست، تصویرگران رسانه‌ای در حد گسترده‌ای به ترسیم کاریکاتور از شخصیت پیامبر اعظم (ص) پرداختند و مورد حمایت دستگاه‌های استکباری قرار گرفتند: همزمان، نویسندگان و آثاری که تخریب مبانی و چهره رهبران دینی مورد توجه ملت‌های مسلمان را هدف‌گیری می‌نمودند، همچون سلمان رشدی، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتند.

۳-۲-۳. حمایت از جریان افراطی و متعصب دینی:

استکبار، در سومین مرحله از رویکرد فرهنگی ضداسلامی خود، برای تخریب چهره واقعی دین اسلام جریان‌های افراطی و متعصب همچون جریان وهابی‌گری را مورد حمایت قرار داد، حتی آمریکاییها در شکل‌گیری جریان افراطی القاعده و طالبان نقش داشتند و حال هم در هر کجا منافعشان اقتضا نماید از این جریان استفاده لازم را به عمل می‌آورند.

۴-۲-۳. حمایت از جریان‌های سکولار در ایران:

حمایت از جریان‌های سکولار در عرصه حاکمیت در دهه گذشته، از جمله اقدامات غرب، به منظور ایجاد فشار و تلاش در جهت براندازی نظام اسلامی بوده است.

۵-۲-۳. بهره‌گیری از دستگاه کلیسا:

کشاندن دستگاه واتیکان و آقای پاپ به عرصه جبهه تقابل با اسلام و موضع‌گیری ناشیانه ایشان، نشان از بهره‌گیری استکبار از همه امکانات در این زمینه می‌باشد. حرکت پاپ و همزمانی و ایفای نقش رهبر مسیحیان جهان در زمین بازی استکبار، در حقیقت بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک پاپ به شمار می‌رود.

۴. رویکرد اصول‌گرایی در جهان اسلام

به رغم ورود استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در عرصه نظامی و فرهنگی برای تحقق جهان‌شمولی و مقابله با خیزش اسلامی و سلطه بر منطقه خاورمیانه، گرایش به اسلام در گستره جغرافیایی امت اسلامی و حتی در اروپا و آمریکا رو به افزایش است و به طور خاص، تبلور دین‌مداری و رویکرد مردم به اصول‌گرایان در چند نقطه از منطقه خاورمیانه از شکست استراتژی سردمداران جهانی سازی خبر می‌دهد.

حوادث سالهای اخیر از جمله حضور اکثریت مجاهدین در عرصه قدرت در افغانستان، پیروزی اصول‌گرایان در عرصه حاکمیت در ایران، حاکمیت ائتلاف اصول‌گرا در عراق و پیروزی حماس در انتخابات فلسطین و بروز و ظهور حزب‌الله در معادلات قدرت در لبنان، هر یک نشان از شکست پروژه جهان‌شمولی و مقابله با اسلام به شمار می‌آید؛ تا جایی که رویکرد به اسلام راستین در کشورهای اسلامی و گرایش به اسلام در جوامع غربی از یک سو و شکست و ناکامی ائتلاف غربی در عراق و لبنان، به شدت موجب نگرانی سردمداران کفر و استکبار گردیده و در تکاپوی تغییر استراتژی خود برآمدند و همین امر زمینه‌سازی تغییر در کارکرد ناتو از نظامی به فرهنگی را فراهم نموده است.

۵. عوامل شکل‌گیری ناتوی فرهنگی

ارزیابی علل و عوامل چرخش ناتو از کارکرد نظامی به فرهنگی، نحوه مقابله با این حرکت را تعیین می‌کند.

۱- ۵. بازگشت ملت‌های مسلمان به اسلام

احیای اندیشه دینی در پرتو انقلاب اسلامی ایران و گسترش شعاع این حرکت در جوامع مسلمان حتی در اروپا و آمریکا، زمینه‌های شکست توطنه‌های استکبار را در جبهه‌های مختلف فراهم نمود و بسیاری از شیوه‌ها را ناکارآمد ساخت. موج فزاینده تخریب مبانی دین و تهاجم به مقدسات در رسانه‌های غربی نشان از نگرانی استکبار از گسترش این حرکت می‌باشد.

۲- ۵. عدم کارآمدی کارکرد نظامی

لشکرکشی آمریکا و جبهه ائتلاف به افغانستان و عراق و زمین‌گیر شدن ماشین جنگی آنان و شکست فضاحت بار اسرائیل در تهاجم به لبنان، بیانگر عدم کارآمدی کارکرد نظامی برای تحقق اهداف سلطه‌گران می‌باشد.

۳- ۵. تناقضات و ناکارآمدی لیبرال دموکراسی

تلاش گسترده جریان سلطه به منظور تنوریزه سازی لیبرالیسم و جهت‌دهی نظام‌های سیاسی منطقه به سمت لیبرال دموکراسی، نه تنها همراه با توفیق نبود بلکه تناقضات در

نظام‌های مبتنی بر مدل فوق و چندگانگی در عملکرد مدعیان دموکراسی، تنفر عموم را در جهان اسلام از ایدئولوژی لیبرالیستی در پی داشت.

۲-۵. کارآمدی اسلام در تقابل با استکبار

آن روز که مارکس دین را «افیون ملتها» معرفی کرد، تصور نمی‌نمود که روزی دیگر مکتب جهان‌بخش اسلام به عنوان قوی‌ترین عامل، منشأ یکی از بزرگ‌ترین انقلابها در ایران و خیزش ملت‌های اسلامی در سراسر جهان گردد، به طوری که هم نظام کمونیستی را متزلزل و از پا درآورد و هم نظام سرمایه‌داری را با چالش‌ها و بحران‌های جدی مواجه نماید. از این رو توانایی و قدرت اسلام در جهت تقابل با استکبار یکی از عوامل رویکرد استکبار برای تقابل با اسلام به شمار می‌آید.

۶. تفاوت‌های کارکرد فرهنگی و نظامی ناتو

بررسی تفاوت‌های دو نوع کارکرد، هم زوایا و گستره این تهاجم را مشخص می‌نماید و هم ابعاد موضوع در برنامه‌ریزی‌ها و شیوه‌های مقابله با آثار و تبلیغات این حرکت را تعیین می‌کند.

۱-۶. کارکرد فرهنگی فرامنطقه‌ای است

برخلاف تهاجم نظامی که در جغرافیای خاصی و غالباً در محدوده مرزها قرار می‌گیرد، عرصه کارکرد فرهنگی، جغرافیای جهان اسلام می‌باشد و تمام ملت‌های اسلامی و فرهنگ‌های دینی و ملی در قلمرو تهاجم و در تیررس استکبار قرار می‌گیرند.

۲-۶. کارکرد فرهنگی فراتر از مراکز اقتصادی و نظامی است

قلمرو عملکرد نظامی، اغلب مراکز اقتصادی و نظامی است، اما کارکرد فرهنگی تهاجم به ادیان، مکاتب، باور و مقدسات و فرهنگ ملی و دینی جامعه است که خسارت در این تهاجم با توجه به عمق و گستره جبران آن بسیار مشکل و طولانی‌تر خواهد بود.

۳-۶. کارکرد فرهنگی از نوع نرم است

تهاجم نظامی از نوع سخت و توسط سنگین‌ترین و پر سر و صداترین جنگ‌افزارها همچون

هواپیما، موشک، توپ و تانک و... انجام می‌پذیرد، اما تهاجم فرهنگی از نوع نرم و بدون سروصدا عملی می‌گردد.

۲- ۶. تلفات کارکرد فرهنگی نامحسوس است

با توجه به ماهیت عملیات نظامی که با بمب باران، موشک باران و آتش توپخانه، انفجار و تخریب و آتش سوزی و کشت و کشتار صورت می‌گیرد آثار این تهاجم محسوس، دفعی و احساس برانگیز می‌باشد. اما در تهاجم فرهنگی نتیجه عملکرد و آثار خرابی‌ها و تلفات غیر محسوس، تدریجی و احساس برانگیز نمی‌باشد.

۵- ۶. سربازان جبهه فرهنگی اقشار آسیب‌پذیر هستند

در جبهه نظامی عناصر مورد تهاجم نیروهای آموزش دیده و مقاوم، همراه با آمادگی‌های لازم در جهت مقابله با مهاجم قرار دارند؛ اما در جبهه فرهنگی تمام اقشار جامعه به ویژه زنان، دختران و جوانان در معرض آسیب دشمنان قرار می‌گیرند.

۶- ۶. ابزار و شیوه‌های تهاجم فرهنگی متنوع و گسترده است

در تهاجم نظامی ابزارها و شیوه‌ها بسیار حجیم، سنگین، و در عین حال محدود و پرهزینه هستند، اما در جبهه فرهنگی ابزار بسیار متنوع، گسترده و ظریف و با هزینه‌های به مراتب کمتر قابل تحقق است. همین‌طور شیوه‌های اقدام فرهنگی به مراتب گسترده و متنوع‌تر و پرجاذبه بوده و میدان عمل آن وسیع‌تر می‌باشد.

۷- ۶. تلفات در تهاجم فرهنگی ضایع‌شدنی است

در جبهه‌های نظامی نیروهایی که در جبهه برای دفاع از مکتب، وطن و استقلال کشور به نبرد با دشمن می‌پردازند و احیاناً در این مسیر کشته می‌شوند چون در راه مقدسی جان خود را فدا می‌کنند از قداست خاصی برخوردار شده، ماندنی و ابدی می‌شوند و خانواده آنان بر چنین گذشته افتخار می‌کنند اما در جبهه فرهنگی با توجه به آثار تخریبی آن روی روح و روان و اخلاق و دین و باور مردم، تلفات آن ضایع‌شدنی و نفرت‌آور خواهد بود.

۸-۶. کارکرد فرهنگی طولانی و درازمدت است

نبرد نظامی با توجه به ماهیت آن از نظر زمانی محدود و کوتاه مدت است و کمتر نبردی است که زمان طولانی ادامه یابد، اما کارکرد فرهنگی در تهاجم، بسیار طولانی و درازمدت است.

۷. هدف و جهت گیری ناتوی فرهنگی

بزرگ‌ترین قدرتی که در برابر قدرت استکباری غرب به سرکردگی آمریکا به مقابله برخاسته و در بسیاری موارد استراتژی آنان را با شکست مواجه نموده، قدرت اسلام می باشد. از همین رو جهت گیری تهاجم فرهنگی اردوگاه کفر و استکبار هم متوجه جهان بینی و ایدئولوژی دینی و جامعه اسلامی خواهد بود. برخی از نقاط اصلی اهداف مهاجمین به عنوان نمونه بیان می گردد:

۱- ۷. ماهیت تهاجم، ضد دینی است

جهت گیری اصلی استکبار در این استراتژی مقابله با اسلام ناب می باشد و در این راستا ترویج سکولاریسم و انکار مرجعیت دینی برای اداره جامعه، تبلیغ تضاد بین دین و توسعه، انقضاء مغایرت بین دین و وحی با عقل، ترویج تقابل بین مدیریت دینی با مدیریت علمی و حمایت از تحجر و اسلام آمریکایی در سرلوحه برنامه آنها قرار دارد.

۲- ۷. استحاله فرهنگ دینی و ملی

جهت گیری دیگر دستگاه های استکباری، استحاله فرهنگ دینی، ملی و تخریب اخلاق، آداب و رسوم و عملکرد ارزشی جوامع اسلامی و جایگزینی فرهنگ مبتذل غربی و رشد ناهنجاریها و ضد ارزشها می باشد.

۳- ۷. ترویج خرافات، عرفان و تصوف تخدیری

هدف دیگر استکبار در جبهه فرهنگی، ترویج خرافات و خرافه گرایی در جهت قلب ماهیت ارزشهای اسلامی و زیر سؤال بردن اصالت آموزه های دینی، همین طور سوق دادن جامعه به سمت صوفی گری و عرفان تخدیری در جهت انحراف در مسیر معنویت گرایی حقیقی در جامعه است. سرمایه گذاری روی انتشار بیش از دو هزار عنوان در زمینه عرفان تخدیری نشان از تلاش گسترده دشمن در این زمینه دارد.

۴-۷. ترویج اباحی‌گری و لاقیدی

سرمايه عظيم جامعه اسلامي تعهد و تقيد نسبت به احكام و مقررات شرع مقدس در چسارچوب اصول و مباني ديني در جامعه و التزام به بايد و نبايدهاي ديني و رعايت ارزشها در روابط اجتماعي مي‌باشد. استراتژي جريان سلطه، تضعيف اراده و تعهد ديني در جهت ترويج لابلالي‌گري و بي‌قيدي و گسترش ناهنجاريهاي اخلاقي و اجتماعي است.

۸. بسترهاي تأثيرپذيري فرهنگي

مهمترين امكاني كه سردمداران جريان فرهنگي در جغرافياي جهان اسلامي دارند، بسترها و زمينه‌هاي آسيب‌پذيري جامعه اسلامي است. آنان با شناسايي نقاط آسيب‌پذير و گسل‌هاي زلزله‌خيز فرهنگي، روي همان نقطه كار کرده، در صدد بهره‌گيري لازم برمي‌آيند. بنا بر مثال معروف، جنگل سبز و شاداب، رانمي‌توان به سادگي آتش زد اما جنگل خشك با جرقه‌اي در معرض آتش‌سوزي قرار مي‌گيرد؛ از اين رو جامعه آسيب‌پذير با سرعت در برابر جريان فرهنگي مهاجم تسليم مي‌شود، اما جامعه قوي و استوار نسبت به جريان مهاجم، واكنش منفي از خود نشان مي‌دهد و نقشه دشمن را ختني مي‌سازد. بررسي برخي از بسترهاي مهاجم‌پذيري در تعيين استراتژي و برنامه‌ريزي براي مصون سازي جامعه مؤثر مي‌باشد.

۱-۸. خرافه‌گرایی و بدعت‌پذیری

در اين كه فرد يا افراذي و يارسانه‌اي با توجه به انگيزه دشمني يا سودجوئي و يا -جهالت در صدد ترويج خرافه و يا بدعت‌گذاري بر مي‌آيند، همواره در جامعه محتمل هست؛ به ويژه در دوراني كه استراتژي دشمن بر گسترش خرافه‌ها و بدعت‌گذاري استوار باشد. اما اين كه جمعي از جامعه به خرافه توجه نموده و تحت تأثير قرار گيرند و تفاوتی بين حقيقت تا خرافه و بدعت را نبينند، چنين جامعه‌اي آسيب‌پذير مي‌باشد. در اين موضوع توجه به شانس و بخت به جاي كار و تلاش و پذيرش ادعاهاي غير واقعي

بدون گذر از چرخه اعتماد آفرینی آن و قرار گرفتن در چنگال عناصر و جریانهای ماجراجو و اغواگر از نشانه‌ها و آثار خرافه‌گرایی و بدعت‌پذیری است.

۲- ۸. مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی

از جمله مظاهر تهاجم فرهنگی، ترویج فرهنگ مصرف و تجمل‌گرایی در جهت ایجاد زمینه‌های نارضایتی و بحرانهای اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر یک جامعه انقلابی و پویا و هدفمند که در صدد ارائه یک الگوی مناسب از یک زندگی و جامعه متعادل بوده و در پی دستیابی به قله‌های عزت و تحکیم استقلال و تکیه بر منافع خود می‌باشد؛ با غفلت از اهداف و رسالت خویش تحت تأثیر جریان‌سازی دشمن قرار گیرد و در میدان بازی دشمن حرکت نماید و در مسیر حرکت زندگی، به دام مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی بیفتد، نشان از وجود بستر تهاجم‌پذیری در جامعه دارد.

۳- ۸. ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری

سیاست و استراتژی استکبار در ناتوی فرهنگی، سیاست هویج و چماق است؛ از سویی تهدید می‌کند و از سوی دیگر تبلیغات وسیعی را در جهت تطمیع و ایجاد خوش‌بینی در جامعه نسبت به عملکرد خودشان راه می‌اندازد. از یک طرف خود را منادی دموکراسی قلمداد می‌کند و از طرف دیگر جبهه جهان اسلام را متهم به خشونت و تندروی می‌نماید. در این شرایط جامعه‌ای که دچار ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری شود و طرفندهای دشمن را شناسد، دچار اختلاف و چنددستگی و آسیب‌پذیری خواهد شد.

۴- ۸. خودکم‌بینی و خودباختگی

رویکرد مهم تهاجم تبلیغاتی غرب، بزرگنمایی توانایی‌های غربی، ایجاد جنگ روانی در جهت شکستن اراده و اعتماد به نفیس جامعه اسلامی و در نتیجه پذیرش برتری تمدن غربی است. در این زمینه چنانچه جامعه ارزشهای اصیل خود را از یاد ببرد و دچار خودباختگی شود، میدان نبرد را به دشمن وا گذاشته، زمینه پیروزی و غلبه دشمن را فراهم می‌کند.

۵- ۸. ذهن‌بینی و شایعه‌پذیری

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دشمن در تهاجم فرهنگی در جهت مهندسی افکار عمومی و دستیابی به اهداف خود، بهره‌گیری وسیع از شایعه و تولید انبوهی از ذهنیتهای منفی و انعکاس به افکار عمومی از طریق رسانه‌های رسمی به ویژه سایتهای بی‌نام و نشان می‌باشد. در این زمینه چنانچه جامعه شاخص‌های شناخت دشمن را کنار بگذارد و به شایعات توجه نماید و تحت تأثیر قرار گیرد چنین جامعه‌ای آسیب‌پذیر خواهد بود.

۶- ۸. تقلیدگرایی کورکورانه

در آموزه‌های دینی از هر گونه تقلید و پیروی کورکورانه و بدون منطق جلوگیری شده تنها در پیروی از روشها و شیوه‌ها و سیره و سنت‌های مشروع و مستند و رجوع غیرمتخصص به کارشناس تأکید شده است. از سوی دیگر یکی از ابعاد تهاجم فرهنگی مدل‌سازی، قهرمان‌سازی و الگوپروری در جهت استحاله و دگرگونی فرهنگ‌های ملی و دینی می‌باشد. در این وضعیت، چنانچه جامعه از الگوهای اصیل و روشهای تکاملی پیش‌بینی شده عدول، و به سمت الگوهای وارداتی و تأثیرپذیری از جریان‌سازی غربی حرکت کند قهرآدستخوش آسیب خواهد بود.

۷- ۸. قوم‌گرایی و نژادپرستی

از دیدگاه جامعه‌شناسی و آموزه‌های دینی، سرزمین، نژاد و زبان از عوامل همگرایی و همبستگی و وحدت اقشار جامعه هستند، اما اساسی‌ترین محور وحدت و همبستگی و ریسمان محکم در ایجاد رابطه و پیوستگی آحاد جامعه به یکدیگر دین و مکتب است. از سویی جبهه استکبار در جهت شکستن و گسستن مهم‌ترین عامل همگرایی در صدد تحریک عوامل قومی، نژادی است که مرزبندی‌ها و اختلافات و درگیری‌ها را در جوامع اسلامی توسعه و تعمیق بخشد. در این وضعیت دستیازی به عوامل قومی و قبیله‌ای و تحریک عناصر ناسیونالیستی، همانا پذیرش تهاجم دشمن و حرکت در مسیر خواست جریان سلطه خواهد بود.

۹. ریشه‌های تهاجم‌پذیری

شناخت عوامل و ریشه‌های تهاجم‌پذیری در برخورد با این پدیده تأثیر بسزایی خواهد داشت که به برخی عوامل اشاره می‌شود:

۱- ۹. بی بصیرتی و درک نادرست از مقتضیات زمان

در روایت دارد: العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که آگاه به زمان خویش باشد مورد هجوم شبهات قرار نمی‌گیرد. در این زمینه بصیرت نافذ و درک قوی و درک درست مقتضیات زمان و قدرت تحلیل بالا یکی از مهم‌ترین عوامل پویایی و زنده بودن جامعه و زمینه ساز استقامت و استحکام جامعه در برابر امواج تهاجم است.

۲- ۹. ضعف بنیه اعتقادی

باور و اعتقاد آحاد جامعه به مکتب حیاتبخش اسلام و اتکاء به سیره و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین و پایبندی به اصول و مبانی دینی و به ویژه اصل ولایت فقیه در تداوم دوران امامت، بزرگ‌ترین عامل قوام و ایستادگی جامعه در برابر کارکرد فرهنگی و نظامی ناتو و همه قدرتهای استکباری می‌باشد.

۳- ۹. عدم التزام نسبت به بایدها و نبایدها

مهم‌ترین شاخصه جامعه دینی و مردم دین‌مدار، التزام عملی به احکام دینی و تعهد نسبت به بایدها و نبایدهای حکومت دینی و پایبندی و تبعیت از فرامین و تدابیر رهبری است. در چنین شرایطی جامعه قدرت خنثی‌سازی همه توطئه‌ها و دسیسه‌ها را خواهد داشت.

۱۰. راه کارهای مقابله با ناتوی فرهنگی

نخستین گام در جهت مقابله با استراتژی جدید ناتو، یعنی تهاجم فرهنگی، همبستگی جهانی و همکاری همه ملتها و قدرتهای اسلامی و سازمانهای مربوطه در جهت مقابله با این استراتژی است و با عنایت این که جهت‌گیری اصلی جریان سلطه، اسلام انقلابی و کانون آن ایران می‌باشد، در سطح ملی باید همگرایی و هماهنگی در زمینه مقابله با این حرکت شکل گیرد.

اما از آنجا که سپاه پاسداران، رسالت پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن را بر عهده دارد، هم به جهت تحقق رسالت خود و هم در جهت پیشگیری از آسیب‌پذیری مجموعه، نیازمند برنامه ریزی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد که می‌بایست دستگاه‌های مربوطه در این زمینه توجه لازم را به عمل آورند.

پی‌نوشتها:

۱. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی